

دریاچه هامون

بزرگترین دریاچه آب شیرین فلات ایران

ایرج افشار سیستانی

۱- موقعیت، حدود، وسعت و منبع تغذیه

سیستان از شمال و غرب با دریاچه‌های کم‌زرغای بزرگی به نام هامون و باتلاقهای آن یعنی بزرگترین حوضه دریاچه‌ای در شرق ایران احاطه گردیده است.

دریاچه هامون، شامل هامونهای هیرمند، صابری و پوزک است که به ترتیب در غرب، شمال و شمال شرقی دشت سیستان قرار گرفته‌اند. بیشتر قسمت‌های دو هامون صابری و پوزک در خاک افغانستان قرار دارد و تنها قسمتی از هامون صابری در ایران است.^۱

دریاچه هامون و باتلاقهای آن قسمت اعظم آبهای افغانستان را به سوی آبه‌گیر خود جذب می‌کند و کف آن پوشیده از رسوبات رودخانه‌ای و دریاچه‌ای عهد سوم و چهارم زمین‌شناسی است.^۲

به طور کلی منبع تغذیه هامون‌های سه گانه را هرزآب رودخانه‌ها، کانالها و مقدار زه‌آب اراضی مزرومی تشکیل می‌دهند.

رودخانه‌هایی که به عنوان منبع تغذیه هامونها به حساب می‌آیند از یکدیگر مجزا بوده و مهارتند از رودخانه هیرمند از طریق رودخانه سیستان برای هامون هیرمند و فراه رود در افغانستان

برای هامون صابری و رودخانه هیرمند از طریق رودخانه پریان و خاش رود در افغانستان برای هامون پوزک.

آب هامونها در فصل خشک باهم ارتباطی ندارند و به صورت سدگانه جدا از هم در می‌آیند و عملکردی شبیه سه تشنگ تبخیر بسیار بزرگ دارند.^۳

سطح دریاچه‌های هامون و ساحل آن بر اساس میزان رواناب سالیانه و فصول مختلف سال متغیر است. دامنه این تغییرات به حدی است که در سالهای کم‌آبی سه دریاچه به کلی از هم مجزا می‌گردند و کیلومترها از هم فاصله می‌گیرند. سطح کامل سه دریاچه در مواقع پرآبی برابر چهار هزار کیلومتر مربع است و در این موارد مسیر جریان آب از سوی هامون پوزک به سوی هامون هیرمند و از طریق هامون صابری است. و به دیگر سخن آب در جهت عکس مغربه ساعت، دریاچه‌های هامون را دور می‌زند.^۴

به این ترتیب دریاچه هامون، هنگام پرآبی، بزرگترین دریاچه آب شیرین فلات ایران را به وجود می‌آورد. در زمانی که سطح آب پایین می‌آید، معمولاً مساحت آن تا حدود یک هزار کیلومتر مربع تقلیل می‌یابد و اراضی پیرامون آن که از آب بیرون آمده‌اند، به صورت مراتع طبیعی مورد استفاده دامداران قرار می‌گیرند. ولی در سالهای خشک، وسعت آن خیلی کمتر است و در خشکسالیهای بی‌دری، کف دریاچه هامون به کلی خشک می‌شود.^۵

کانال طولی که از منتهی‌الیه جنوب دریاچه هامون هیرمند منشعب شده است و پس از دور زدن سیستان از جنوب وارد خاک افغانستان می‌شود و به گودالهای طبیعی گودزره متصل می‌گردد، "شیله" یا "خلاق" نامیده می‌شود.^۶

"کلمان هوار" مؤلف کتاب "ایران و تمدن ایرانی" (تألیف پس از جنگ جهانی اول) می‌نویسد:

"آب مازاد دریاچه از طریق نهر مریشی به نام "شلا" به گودزره وارد می‌شود. گودزره گودال مظیمی است که ۱۶۰ کیلومتر طول و ۴۸ کیلومتر عرض دارد و در گذشته آب هیرمند مستقیماً بدین گودال می‌ریخت. در بهار ۱۹۱۱ م. شلا ۱۸۳ متر پهنا و ۷/۵ متر ژرفا داشت و سرعت جریان آن ۶/۵ کیلومتر در ساعت بود و این مقدار آب زیادی به شمار می‌آید."^۷

در مواقع سیلابی که سه دریاچه به هم متصل می‌گردند، کانال، سبک‌گودش آب از درون افغانستان را از طریق دریاچه‌های هامون به درون افغانستان تکمیل می‌نماید و نهایتاً آب را به داخل گودالهای گودزره منتقل می‌کند.^۸

درازای دریاچه هامون هیرمند واقع در خاک ایران حدود یکصد کیلومتر در مسیر جنوب به شمال و عرض آن حدود ۲۰ تا ۳۰ کیلومتر از سوی شرق به غرب و عمق آن بین ۵ تا ۱۵ متر در مواقع خشک و سیلابی در عمیقترین نقطه متغیر است.

سطح تقریبی هامون هیرمند ۲۰۵۰۰ کیلومتر مربع است. در فصول سیلابی، آب به حدود پنج متر بالا می‌آید و ارتفاع آن تا ۴۷۵ متر از سطح دریا می‌رسد. سطح آب پس از پایان فصل طغیانی

وضع سطح آب دریاچه هامون

تاریخ عنوان	سطح دریاچه (هکتار)	سطح دریاچه واقع در ایران (هکتار)	سطح دریاچه واقع در افغانستان (هکتار)
۲۱ اکتبر ۱۹۷۲ م	۱۲۵۰۶۵۰	۳۷۰۷۵۰	۷۸۰۹۰۰
۵ ژوئن ۱۹۷۶ م	۳۵۸۰۰۰۰	۲۹۶۰۰۰۰	۱۶۲۰۰۰۰
نسبت کاهش	$\frac{1}{3}$	$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{4}$

به سبب تبخیر زیاد سطح دریاچه پایین می‌آید به طوری که کف دریاچه هامون در فصل پاییز زمستان به جز قسمتی از عمیقترین نقاط آن خشک می‌گردد.

علیرغم تبخیر زیاد از سطح دریاچه آب باقیمانده در هامون شیرین است که این پدیده در دیگر نقاط ایران، دیده نمی‌شود. علت این امر تنظیم ورودی و خروجی دریاچه‌های بزرگ، صابری و هامون از طریق شیله به داخل گودالهای گودزره و اختلاط آب دریاچه با آب تازه رودخانه در هنگام جریان آب از طریق بزرگ به گودزره است.^۹

"مهندس عباس جعفری" مؤلف شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران، وسعت و درازای چاله‌های هامون را به شرح زیر دانسته است:

هامون صابری شمالی، دارای ۱۸۳ کیلومتر مربع مساحت و ۱۸ کیلومتر درازا می‌باشد و ارتفاع سطح آب آن نسبت به سطح آب خلیج فارس ۴۸۰ متر است. هامون هیرمند نیز دارای ۱۸۰/۵ کیلومتر مربع وسعت و ۴۱/۳ کیلومتر طول می‌باشد و ارتفاع سطح آب آن نسبت به سطح آب خلیج فارس ۴۸۰ متر است.^{۱۰}

وضع سطح آب دریاچه هامون و تغییرات آن با استفاده از معکسهای ماهواره‌ای به شرح بالا تعیین گردیده است.^{۱۱}

از جدول فوق معلوم می‌شود که در حالت کم‌آبی، آب دریاچه کمتر از $\frac{1}{3}$ حالت پرآبی و برای آن قسمت که در خاک کشور جمهوری اسلامی ایران قرار دارد کمتر از $\frac{1}{6}$ آب خواهد داشت ولی نسبت کاهش برای افغانستان $\frac{1}{4}$ است.

۲- شرایط محیط زیست

دریاچه هامون از نظر شرایط محیط زیست، غنی‌ترین محدوده منطقه است. علیرغم استفاده از آب بعضی از قسمت‌های دریاچه (در زمان پرآبی) برای کشت و کار، اهمیت بیشتر دریاچه هامون به خاطر امکان پرورش و سید ماهی، تأمین علوفه دامها از نیزارهای داخل دریاچه، شکار مرغابی، حصیربافی و از همه بیشتر ارزش زیستگاهی آن به عنوان یک اکوسیستم است. در حال حاضر

معیشت تعداد زیادی از ساکنان پیرامون دریاچه بر منابع همین دریاچه استوار است. و از طرفی تمدن پیرامون دریاچه هامون و رودخانه هیرمند، یکی از مناطق زیست نخستین ساکنان فلات ایران بوده است.^{۱۲}

در سالهایی که آب کافی وجود دارد و دریاچه پرآب است، در اثر وزش بادهای موسمی و شدید، آب آن در اراضی صاف دشت سیستان پیشروی و مراتع حاشیه دریاچه را آبیاری می‌کند. پس از عقب نشینی، مراتع تا حدودی غنی و سرسبز باقی می‌مانند که منبع اصلی تغذیه هزاران رأس دام هستند.^{۱۳}

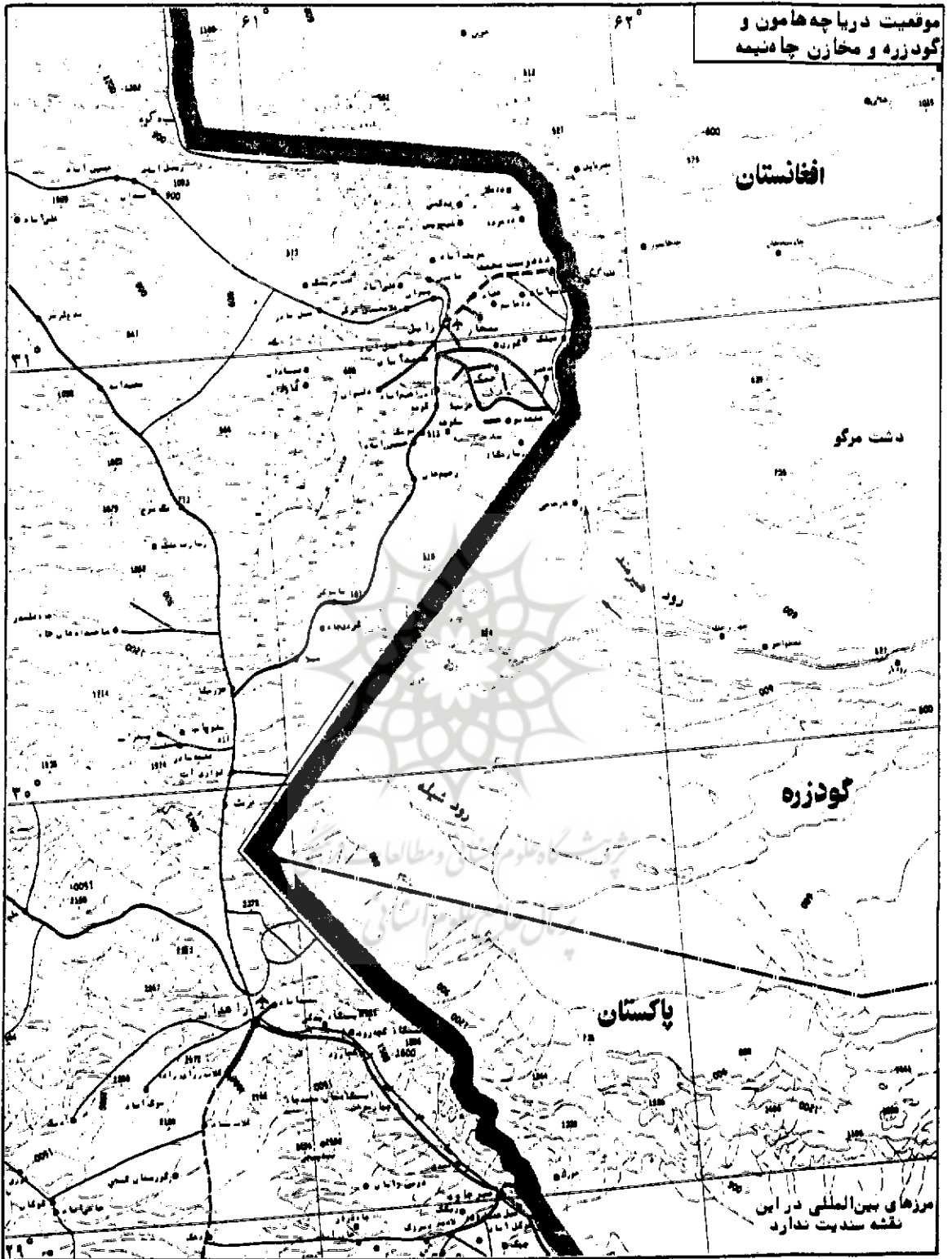
۳- توجه تسمیه و سابقه تاریخی

الف- توجه تسمیه: این دریاچه در اوستا "کنس اویسه *Kansaviya*" نامیده شده است و در پهلوی "کیانسه" و در کتابهای فارسی مثل: صد در، بندهش و روایات هرمزدیار "کانده" ضبط شده است. بنا به قرائت دیگری در اوستا نیز "کنسو *Kansu*" خوانده شده است و در پهلوی و یازند "کانسه *Kānsā*" است. این نام در اوستا گاهی با واژه زره تفسیر شده یعنی دریای کیانسه.^{۱۴} در پشت نوزدهم که به نام زامیادیشتم معروف شده (بند ۶۶) آمده است که مرکزیت دین زرتشتی، سرزمینهای پیرامون دریاچه کیانسه است.^{۱۵}

واژه زره در شاهنامه فردوسی و در کتابهای جغرافیای ایرانی و عرب اسم دریاچه هامون است. به قول فردوسی افراسیاب از میدان کبخسرو روی گرداند و از آب زره گذشت به کنگ دژ پناه برد و کبخسرو از بی او فتافت. پس از شش ماه از آب زره گذشت و خود را به کنگ دژ رسانید.

به شش ماه کشتی برفتی برآب کزو ساختی هرکسی جای خواب از آنجا که واژه‌های زره و زریه هردو به معنی دریاست این دریاچه را در قدیم "زره کیانسه" می‌گفتند که به مرور گلمه کیانسه از استعمال افتاد و فقط زره که در پهلوی به معنی دریاست باقی مانده.^{۱۶} در بند ۶۷ زامیادیشتم از هشت رود دیگر سیستان که

موقعیت دریاچه هامون و
گودزره و مخازن چاه نیمه



همه به دریاچه سیستان می‌ریزند، نام برده شده است، در حال حاضر بسبب این رودها که هامون باشد به معنی دشت و بیابان است، چنانکه فردوسی می‌فرماید:

مرآن تخت را دیو برداشتی ز هامون به ابر اندر افراشتی
 هامون اسمی است که بعدها به این دریاچه داده شده است ۱۷.
 کلمان هوار نیز در سال ۱۹۱۱ م. از این دریاچه به نام
 "هامون دشت" یاد کرده است ۱۸. یونانیان به رود ارفنداب
 افغانستان و دریاچه زره سیستان و رود هیرمند "اتماندر"
 می‌گفتند. جغرافیدانان اروپایی زره را هامون می‌گویند ۱۹. اکثر ریاس
 پزشکی و مورخ مشهور یونانی نیز اسم دریاچه سیستان را "زاریس"
 ذکر نموده است ۲۰.

ب - سابقه تاریخی: دریاچه هامون در شرق ایران، همانند
 دریاچه اوزمیه در شمال غربی ایران، مقدس بوده است. استاد
 پورداود می‌گوید: "شرافت هامون در این است که در آینده سه پسر
 از پشت پیغمبر (زرتشت) از کنار آن ظهور خواهند کرد که هر یک
 به فاصله ۱۰۰۰ سال از همدیگر با هم مرصه وجود خواهند
 گذاشت..."

برخلاف دریاچه اوزمیه که بسیار تلخ و شور است و حدود
 ۲۷ درصد نمک دارد و هیچ جاننداری جز یک قسم کرم ریز که مخصوص
 همان آب است در آن نمی‌تواند زندگی کند، آب هامون شیرین
 است و انواع ماهیها و مرغابیها در آن به سر می‌برند و ماهی‌نذویه
 صیادان سواحل آن هستند. با وجود این در فصل ۱۳ بندهی
 فقرات ۱۶-۱۷ راجع به هامون مندرج است در میان دریاچه‌های
 خرد. دریاچه گیانسه (ب هامون) از همه سالمتر بود. آن در
 سیستان است و جانوران زبان‌رسان مثل مارها، وزغها در آن
 می‌روند و آبش از دریاچه‌های دیگر شیرین‌تر بود (۱).

توصیف این حوض از دریاچه هامون، مشخص می‌نماید که
 وسعت این دریاچه در قدم بهش از وسعت کنونی آن بوده که به
 مرور زمان کاهش یافته است.

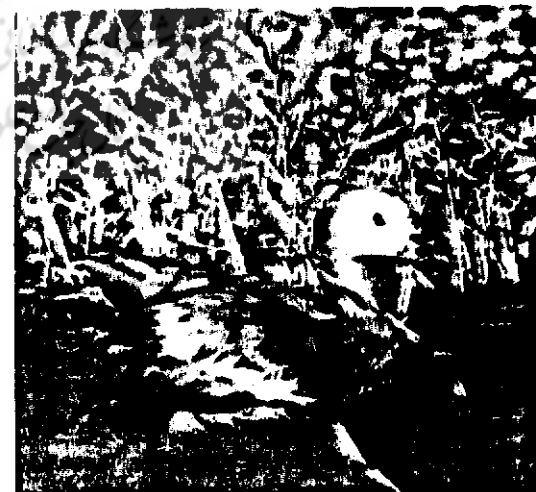
۴- دریاچه هامون در دوران نوزیوی ۲۲

در دورانهای یخبندان همان طور که دریاچه‌هایی گودبهای
 کویر مرکزی را اشغال می‌کرد، دریاچه‌هایی نیز در دره‌های میان
 کوهس و گودبهای واقع در ارتفاعات وجود داشته است که بقایای
 بعضی از آنها هنوز موجود است.

دانیل ب. کریستلی که تحقیقاتی در باره کویر مرکزی ایران
 انجام داده است، ضمن تعریف گسترش دریاچه‌ها در بحیرحه
 یخبندان در باره قسمت شرقی نلات ایران از جمله حوضه سیستان،
 می‌گوید: "بر اثر برف بیشتر در ارتفاعات و جریان بیشتر سیاه توأم
 با کوتاه شدن فصل تابستان و کم شدن میزان تبخیر، گودبهای



نوجوان روستایی با توتش در دریاچه هامون
 هیرمند



مرغابی، دریاچه هامون

موجود در حوضه‌های سیستان و بلوچستان، تبدیل به دریاچه می‌شده و ازدیاد قابل توجه میاه از ناحیه هندوکش، سطح هامون هیرمند را افلا" صد در صد گسترش می‌داده است. " کریپلسی، در صفحه ۱۸۴ رساله خود می‌نویسد:

"با در نظر گرفتن دریاچه‌های موقت چنین به نظر می‌رسد که در عهد پلیستوسن، قسمتهای غربی حوضه سیستان، از دریاچه‌های کم عمقی پوشیده بوده و این دریاچه بعداً "بر اثر ازدیاد خشکی از بین رفته است ۲۳.

طبق اظهار نظر ژنرال " هوتوم شیندلر " احتمال دارد که در گذشته‌های بسیار دور پیرامون سیستان خصوصاً " در ناحیه زره که معمولاً صحرائی نمکزار می‌باشد، دریاچه‌های مشخص وجود داشته است.

همانطور که در افسانه‌های کهن ایران آمده، در وسط فلات مرکزی ایران، زمانی دریای پهناوری بود که از قزوین در شمال تا کرمان و مکران در جنوب و از ساوه در شمال تا نواحی پست سیستان در شرق گسترش داشت. این افسانه‌ها نه فقط از این دریای بزرگ سخن می‌گویند، بلکه در همه آنها اشاراتی به گشتیها، جزایر متعدد، بنادر و فانوسهای دریایی هم شده است. بنابراین چنانچه نظر شیندلر را بپذیریم و قبول کنیم که در محل گویر مرکزی ایران دریایی بزرگ وجود داشته نتیجه خواهیم گرفت که دگرگونیهای جغرافیایی از ساخته‌های دنیای جدید نیست بلکه نتیجه حفظ نام قدیمی " زره " است که در مورد باتلاقهای پیرامون سیستان به کار می‌رود، همان نام قدیمی دریای بزرگ مرکزی ما قبل تاریخ است ۲۴. در عهد چهارم، دریای خزر وسعتی به مراتب بیش از وسعت کنونی داشت و با دریاچه سیستان مرتبط بود. زیرا دریای خوارزم به دریای خزر وصل بود و دریای خزر از قسمت جنوب شرقی خود، راهی به سوی دریای مرکزی گویر لوت داشت، گویر لوت دریاچه شیرین بزرگی بود که از جنوب تا نزدیکیهای یزد ادامه داشت؛ و از همین قسمت نیز با دریاچه سیستان مرتبط بود ۲۵.

منابع

- ۱- گزارش مرحله اول طرح تأمین آب و توسعه تصفیه‌خانه شهر زابل: مهندسان مشاور فرپاک، تهران، مرداد ۱۳۶۱، صفحه ۱۲۲.
- ۲- گزارش عملکرد گذشته و وضع موجود بخشهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان سیستان و بلوچستان: شورای عالی برنامه‌ریزی استان سیستان و بلوچستان، تهران، ۱۳۶۱، صفحه ۴۵.
- ۳- گزارش مرحله اول طرح تأمین آب و...، صفحه ۱۲۲.
- ۴- همان مأخذ، صفحه ۱۲۳.

- ۵- ایرانشهر، جلد اول: کمیسیون ملی یونسکو، نشریه شماره ۲۲، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲، صفحه ۸۸.
- ۶- گزارش مرحله اول طرح تأمین آب و...، صفحه ۱۲۳.
- ۷- ایران و تمدن ایرانی: گلستان هوار، ترجمه حسن انوشه، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳، صفحه ۷.
- ۸- گزارش مرحله اول طرح تأمین آب و...، صفحه ۱۲۳.
- ۹- همان مأخذ، صفحه ۱۲۵.
- ۱۰- شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران: مهندس عباس جعفری، گیتاشناسی، تهران ۱۳۶۳، صفحه ۵۳.
- ۱۱- تالاب هامون: مهندس جمشید منصوری، هنریک، مجنوبیان سازمان حفاظت محیط‌زیست، تهران، خرداد ۱۳۶۳، صفحه ۲۰، به نقل از گزارش تعیین سطح تیزراه‌های هامون و تغییرات سطح دریاچه با استفاده از اطلاعات ماهواره، جواد ماگویی ۱۳۶۱ ش. سازمان برنامه و بودجه.
- ۱۲- سیستان نامه، جلد اول: ایرج افشار سیستانی، نشر مرغ آمین، تهران، ۱۳۶۸، صفحه ۱۲۷.
- ۱۳- تالاب هامون، صفحه ۱۸.
- ۱۴- تقدس سرزمین ایران در آیین ایرانی: ناصرالدین شاه حسینی، شورای عالی فرهنگ و هنر، تهران ۱۳۵۵، صفحه ۲۳.
- ۱۵- مهر در مأخذ شرقی: مجید بگشایی، بررسیهای تاریخی، سال ۱۱، شماره ۴، مهر و آبان ۱۳۵۵، صفحه ۲۲۷.
- ۱۶- شیت‌ها، جلد دوم: استاد ابراهیم پورداود، دانشگاه تهران، ۱۳۵۶، صفحه ۲۹۲-۲۹۳.
- ۱۷- همان مأخذ، صفحه ۲۹۸-۲۹۹.
- ۱۸- ایران و تمدن ایرانی، صفحه ۷.
- ۱۹- تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران: محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، تصحیح میرهاشم محدث، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳، صفحه ۷۳.
- ۲۰- همان مأخذ، صفحه ۹۷.
- ۲۱- شیتها، جلد دوم، صفحه ۲۹۰.
- ۲۲- دوران نوزوی D-e-Nozivi یا دوران نوزیست (سنوزوتیک) (= زندگی نو) که پس از دوران میان‌زیوی واقع شده و به دوره‌های سوم و چهارم تقسیم می‌شود.
- ۲۳- پیرامون آب و هوای باستانی فلات ایران: دکتر محمد تقی سباهوش، ابن سینا، تهران، خرداد ۱۳۵۲، صفحه ۱۷-۱۸.
- ۲۴- دریانوردی ایرانیان، جلد اول: اسامیل رایین، سگه، تهران، ۱۳۵۰، صفحه ۱۶.
- ۲۵- سهم ایرانیان در پیدایش و آفرینش خط در جهان: رکن‌الدین همایونفرخ، هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور، تهران، بهرام ۱۳۵۰.